

ایران؛ نرسیده به امارات

روایتی از بوموسی، جنوبی‌ترین جزیره ایران

علیرضا رأفتی

www.ketab.ir

سرشناسه: رأفتی، علیرضا، ۱۳۷۵ -

عنوان و نام پدیدآور: ایران نورسیده به امارات: روایتی از

بوموسی، جنوبی‌ترین جزیره ایران / علیرضا رأفتی.

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه جام جم، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.: مصور: ۱۴ × ۲۰ سانتیمتر

شابک: ۵-۱۰-۷۶۷۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عنوان دیگر: روایتی از بوموسی، جنوبی‌ترین جزیره ایران

موضوع: جزیره ابوموسی -- سیرو سیاحت

Abu Musa Island (Iran) -- Description and travel

موضوع: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴

Travelers' writings, Iranian -- 20th century

موضوع: جزیره ابوموسی -- تاریخ

Abu Musa Island (Iran) -- History

رده بندی کنگره: DSR ۲۱۴

رده بندی دیویی: ۷۳۵ / ۹۵۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۷۸۸۸۳۶

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا

جام جم

www.ketab.ir

- عنوان کتاب: ایران؛ فرسوده به امارات
- ناشر: جام جم
- نویسنده: علیرضا رأفتی
- مدیرعامل مؤسسه جام جم: مراد عنادی
- مدیر مسئول: مهدی قزلی
- ویراستار: محمدکاظم کاظمی
- مدیر هنری: محمد یاقوتی
- چاپ اول: زمستان ۱۴۰۰
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۷۶-۱۰-۵
- قیمت: ۵۵۰,۰۰۰ ریال
- نشانی: تهران، خیابان میرداماد، جنب مسجد القدير، شماره ۱۲۹
- تارنما: www.nashr.jamejamonline.ir
- تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۴۴۳۰
- هرگونه تقلید و استفاده از این اثر به هر شکل، بدون اجازه کتبی از مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی جام جم ممنوع است.

فهرست

↓

۷	پیش‌گفتار.....
۱۱	فرودگاه / سرگردانی قدم اول.....
۴۱	خلیج فارس / اسپرسو بعد از حیرانی.....
۷۵	جزیره / زلال‌ترین آب‌تنی وطنی.....
۱۰۳	دریا / شکار شیربا قلاب.....
۱۲۵	تمب‌ها / قایق تندرو در بیست.....
۱۶۱	بوموسی / ماه غسل در خاک سرخ.....

پیش‌گفتار



هر کتاب یک سفر است، سفری که اولین بار خود نویسنده پا در راه آن می‌گذارد و بعد خواننده. آنچه نویسنده‌های بزرگ از احوال نوشتن‌شان گفته‌اند، گواه است که نویسنده اولین کسی است که از چیزی که می‌نویسد شگفت‌زده می‌شود. شاید شبیه به همان لطیفه معروف که فلانی ناگهان زد زیر خنده و وقتی علت را پرسیدند گفت «لطیفه‌ای برای خودم گفتم که تا حالا نشنیده بودم!»

تجربه اندک من که هنوز خودم را نویسنده نمی‌دانم هم، گواه همین است که هر بار غرق در نوشتن چیزی شده‌ام، انگار که در حال قدم‌زدن شبانه در جنگلی مه‌آلود باشم، درست و دقیق نمی‌دانسته‌ام قرار است چه چیزهایی را در راه ببینم و از درک خرده‌روایت‌هایی که در راه لمس‌شان کرده‌ام، شگفت‌زده شده‌ام.

این‌ها را نوشتم که بگویم من در این سفر و روایت، اول ماجرا نمی‌دانستم قرار است چه پیش‌بیاید و لمس خرده‌روایت‌های این ناداستان، اول خودم را شگفت‌زده کرد. خاصه این که کتابی که در دست دارید حاصل دو سفر

موازی است. یک سفر فیزیکی به جزایر که طی بازه‌ای حدود یک ساله، دو بار به جزیره بوموسی و یک بار به جزایر تمب انجام شد و دیگری سفری در دل تاریخ که از کنج کتابخانه و کاوش و تعمق در کتاب‌ها و منابع و اسناد مختلف صورت گرفت.

از اولین باری که به پیشنهاد و همراهی مهدی قزلی، مدیر مسئول انتشارات جام جم، پا در جزیره بوموسی گذاشتم تا حدود نُه ماه بعدش که دوباره با این جزیره دست دادم و تا چند ماه بعد از آن که کار نوشتن کتاب تمام شد، مدام منابع و کتاب‌های مختلف تاریخی را دوباره پیشینه و وضعیت این جزایر مرور کردم. جزایری که تاریخ‌شان، دست‌کم تاریخ دو سده اخیرشان، یک روایت خطی معمولی نیست و پراست از روایت‌های متفاوت و متقاطع که سردرآوردن از آن‌ها نیازمند بررسی موبه‌موی همه آن‌هاست.

چیزی که این سفر را برای من عجیب‌تر کرد، حرفی بود که مهدی قزلی وقت طرح موضوع این کتاب زد. از آن حرف‌ها که گوینده، وقتی می‌گوید، برای خودش حرف مهمی نیست و انگار جملاتی است که در دلش ته‌نشین شده و حالا دارد بی آن که به کلماتش فکر کند بیرون می‌ریزد، اما دل‌شنونده را تکان می‌دهد. آن جملات دلم را تکان داد. در چشم‌هایم خیره شد و بی آن که حالتی از تعارف، شوخی یا حتی غم در چهره‌اش باشد گفت: «من یک چند ایده و سوژه داشتم و برنامه‌ای چندساله برای آینده‌ام که فلان کتاب را بنویسم و بهمان موضوع را پیگیری کنم. اما حالا که کرونا آمده و رفتن دور و بری‌ها مان را به چشم دیده‌ایم، فهمیده‌ام واقعاً در شرایطی که آدم از فردای خودش خبر ندارد نمی‌شود برنامه‌های بلند ریخت و باید تا وقت هست، عملی‌شان کرد. برای همین خواستم این ایده‌ام را با تو قسمت کنم که توبه جای من بنویسی اش.» این که آدمیزاد برای برنامه‌هایش وقت

ندارد حقیقت هولناکی است که هر چه بیشتر تاریخ می‌خوانیم، بیشتر به آن پی می‌بریم.

این کتاب صرفاً یک روایت است و نه کتابی پژوهشی که با هر گزاره تاریخی آن، ارجاع دقیق به منبعی داده شود. اما بیشتر نامه‌ها و اسنادی را که در این کتاب گوشه‌ای از آن‌ها آورده شده، می‌توانید در جلد اول و دوم کتاب تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی نوشته محمدعلی بهمنی قاجار پیدا کنید.^۱ استاد بهمنی قاجار در کتاب خویش که حاصل پژوهش‌های دقیق تاریخی و سیاسی است، منبعی جامع در این موضوع را گرد آورده‌اند. تقریباً هر چه از اسناد و نامه‌هایی را که در منابع مختلف دیده بودم و بنا داشتیم در این کتاب از آن‌ها استفاده کنم، در دو جلد کتاب ایشان یافتیم و همین هم باعث شد که اسناد و نامه‌ها را بیشتر از همین کتاب نقل کنم تا تکلیف مخاطب در رجوع به منبع روشن باشد.

نکته دیگر درباره کتاب حاضر این است که با توجه به سرعت تغییر و تحول در جزایر خلیج فارس، شاید برخی مشاهدات و روایت‌ها زمانی که به دست مخاطب می‌رسند، دیگر آن‌طور که روایت شده وجود نداشته باشند، کما این که همین حالا که دارم مقدمه کتاب را بعد از نگارش اصل کتاب می‌نویسم، فرودگاه جزیره تمب بزرگ که در روایت این کتاب از آن با عنوان بانندی کم‌کاربرد یاد شده، به طور رسمی به فعالیت شروع کرده است.

جلال آل‌احمد، که خاک بر او خوش باد، روایتی درخشان دارد از سفرش به جزیره خارگ در دهه سی. کتابی با عنوان جزیره خارگ، دُرّ یتیم خلیج فارس که در آن صادقانه و دل‌سوزانه وضعیت نفت و زندگی در این جزیره

۱. تمامیت ارضی ایران در دوران پهلوی، محمدعلی بهمنی قاجار، دو جلد، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۲.

را روایت می‌کند. بخش زیادی از این روایت، با امروز جزیره خارگ سازگار نیست، اما این اثر درخشان تا همیشه جاودان است.

جزایر تمب و بوموسی از مهم‌ترین جزایر ایرانی خلیج فارس اند. در دو سده اخیر، اتفاق‌های مهمی را به خود دیده و زخم‌های عمیقی از استعمار و دست‌های خارجی خورده‌اند.

تمام سعی نویسنده این روایت این بوده که در طی تحقیق و سفرو نگارش، عرق وطن‌پرستی‌اش را کنار بگذارد و به عنوان یک شاهد بی‌طرف هر آنچه را دیده و یافته است، روایت کند. به قول ابوالفضل بیهقی در کتاب تاریخ بیهقی: «و در تاریخی که می‌کنم سخنی نرانم که آن به تعصبی و تزیدی کشد و خوانندگان گویند: شوم باد این پیر را!»

علیرضا رأفتی

تهران، زمستان ۱۴۰۰